



دکتر حسین باهر

ده فرمان دوم

پریود، و طول موجند. از نظر رفتار هم امواج معمولاً سیکلیک و سینوسی، یا به اصطلاح ریتمیک می باشند. بنابراین برای همسویی با هستی بایستی حرکات ما موزون، هارمونیک، پریودیكال و سیکلیک باشند. از این روست که از یک موسیقی خوب لذت می بریم و یا بالعکس با شنیدن ساز ناکوک آزرده می شویم. حرکات عموم مخلوقات، از ریزترین تا پیشرفته ترین آن ها، دَوْرانی است، مانند طواف کعبه یا سماع ورقص در اویش. پس با تبعیت از این حرکت می توانیم سلامت خود را تضمین کنیم.

۲- هستی امواج:

امواج ساطع از اشیاء و اشخاص بردو نوع مثبت و منفی است. پس جمادات، نباتات، حیوانات و انسان ها همه دارای موج هستند و از نوع امواج آن ها می توان ساختار و رفتار آن ها را تشخیص داد. امواج رادیویی مثبت اند و امواج رادیواکتیو منفی. امواج ماکیان مثبت است و امواج مرغ های شکاری منفی. حیوانات اهلی دارای امواج مثبت و حیوانات وحشی دارای امواج منفی هستند. انسان ها چون صادرکننده امواج می باشند، می توانند ذاتاً یا اکتساباً دارای امواج مثبت و منفی باشند.

آن چه در این نوشته آمده، شامل ده اصل فیزیکی است که در سه عالم دیگر هستی هم معنی دارد. گویی امهات آن ها از عالم چهارم به ترتیب نزول، تنزل، انزال و تنزیل شده است. روشی که نگارنده در این تجربه به کار گرفته است، به صورت از پایین به بالا، یعنی قوس دوم قاب قوسین (نیایش) است. موضوعات:

- ۱- امواج هستی، ۲- هستی امواج، ۳- دهن کجی هستی، ۴- قانون گرایش به بدی، ۵- آثار وصفی اعمال، ۶- میدان جاذبه معنوی، ۷- نسبت تام، ۸- عمل و عکس العمل، ۹- سختی ها و ساختی ها، ۱۰- ازدواج و زوجیت.

۱- امواج هستی:

به نظر بسیاری، هستی موجودی است هوشمند با لایه های مطبق (هفت آسمان) دارای قواعد و قوانین و حتی آداب و رسوم که بعضی از آن ها علمی و بعضی ادبی، پاره ای اخلاقی و برخی عرفانی هستند که هر کدام متعلق به عالمی است از عوالم چهارگانه طبیعت، فطرت، طینت و حیرت.

از نظر ساختار، همه چیز هستی موج است به صورت های کثیف و لطیف؛ و چون موج هستند، لذا تابع قوانین موج میباشند یعنی دارای فرکانس،



۳- دهن کجی هستی:

آسیب پذیری انسان ها از همان نقطه ای است که دارای قوت اند. توضیح این جمله را با ذکر مثال هایی می توان روشن کرد که گویا هستی دوست ندارد رقیبی داشته باشد:

الف - پروفیسور بارنارد متخصص جابه جایی قلب با ایست قلبی دارفانی را وداع گفت.

ب - یوری گاگارین اولین فضانورد روسی با سقوط هلی کوپتر در میدان سرخ درگذشت.

پ - بتهوون آهنگساز نامی، شنوایی خود را نابهنگام از دست داد.

ت - ماهاتما گاندی هندو دوست، توسط یک هندو می کند ترور شد.

ث - اسحاق رابین صهیونیست توسط یک صهیونیست از پا درآمد.

ج - اغلب شکارچیان توسط اسلحه خود مضروب می شوند.

۴- قانون گرایش به بدی:

اگرما به اختیار خود امور را اداره نکنیم، جهت حرکتی آن ها بیشتر فناپذیری است. حضرت یوسف در قرآن می فرماید:

ان النفس الاماره بالسوء الا مارحم ربی "نفس امّاره میل به بدی است مگر خداوند رحم کند" (یوسف/۵۳). از طرفی

آنتروپی بر اشیاء حاکم است (کل من علیها فان)، و از طرف دیگر نفس انسان میل به بدی دارد مگر آن که به حالت

مطمئن رسیده باشد. پس برای جاودانگی یک راه وجود دارد و آن، اخلاص است. اخلاص یعنی رنگ خدایی به اعمال

و رفتار خود زدن (تخلقوا باخلاق الله). تبدیل روندهای منفی به مثبت امری شدنی است؛ به عبارت دیگر انسان باید

قبل از مردن در جسم فانی، در همان جسم متولد شود؛ یعنی حیاتی جاودانه را برای خود تدارک ببیند. این کار شدنی

است و چهار مرحله دارد:

الف - شناخت استعدادهای برتر وجود خویش،

ب - شکوفا سازی استعدادهای برتر در کنار سایر استعدادها،

پ - بکارگیری استعداد بالفعل در راه خدمت به مردم،

ت - مراقبت از خود.

۵- آثار وصفی اعمال:

الف - هر عملی دارای آثار وصفی و جانبی است، مثل الکتریسیته القایی که حول جریان الکتریسیته واقعی به وجود می آید و یا هاله (aura) که متناسب با هر چیزی، حول آن شکل می گیرد.

ب - اعمال ما دارای آثار وصفی و عوارض جنبی هستند (side-effects).

پ - عمل نیکی که انجام می دهیم، علاوه بر ثواب اخروی، در درون خود ما هم ایجاد آندورفین (ترشحات شادمانی) می کند.

برای به دست آوردن خواسته های معنوی نیازی به کارهای بیشتر از حد ما نیست، ما باید با طلب خود آن خواسته ها را در میدان طلب قرار دهیم.





آن، ضریب دهندگی است. برخلاف آن، امور عدلی معادل آور و غیر ضریبی است. به نظر می رسد عدل در امور شرّ جاری و ساری است و فضل در امور خیر: من جاء بالحسنة فله عشر أمثالها ومن جاء بالسيئة فلا يجزي الأمثلها "هر کس نیکویی کند، ده برابر آن را دریافت می کند و اگر بدی کند، مانند آن را" (انعام/۱۶۰). به هر جهت گویا کار هستی پاداش به خوبی ها و پاسخ به بدی هاست.

۶- میدان جاذبه معنوی:

همه با قانون جاذبه آشنایی دارند. هر گره از گرات آسمانی دارای میدان جاذبه ای است که اگر شیئی در آن میدان قرار گیرد، جذب مرکز آن می شود و اگر در مدار آن قرار گیرد، به حالت طواف آن کره را دور می زند. زمین میدان جاذبه ای به ارتفاع اتمسفر دارد؛ اگر چیزی در آن قرار گیرد به سمت مرکز زمین جذب می شود. اگر بتوان وزن مخصوص شیئی را کمتر از یک قرارداد، آن شیئی در گیر نیروی گریز از مرکز می شود و به سمت خارج از میدان جاذبه حرکت می کند. همین حالت را در عالم غیب و متافیزیک هم می توان مشاهده کرد. هر چیزی در دایره طلب ما قرار گیرد، به سمت ما خواهد آمد:

آب کم جو، تشنگی آور به دست

تا بجوشد آبت از بالا و پست

پس برای به دست آوردن خواسته های معنوی، نیازی به کارهای بیشتر از حدّ ما نیست، ما باید با طلب خود آن خواسته ها را در میدان طلب قرار دهیم.

۷- نسبیت تام:

همانا نسبیت در مسائل غیرمادی هم مانند امورمادی حاکم است. فرهنگ و اخلاق و عرفان اموری نسبی اند که بسته به زمان و مکان متفاوتند. علت حاکمیت نسبیت در امور انسانی، همانا تغییری تحول سریع انسان ها، به ویژه در دیدگاه های آنان است:

از نظرگاه است ای مغز وجود

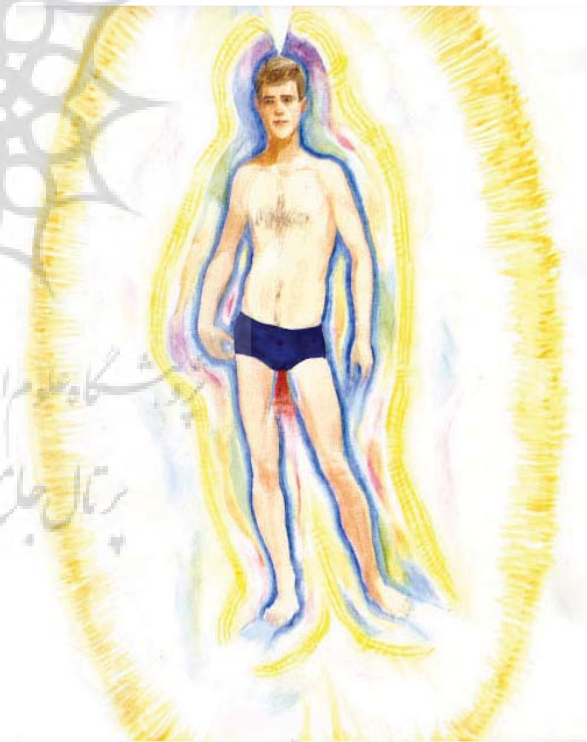
اختلاف مؤمن و گبر و جهود

ت - معمولاً افراد حسود دارای جثه های لاغری هستند. ث - محافظت از فرزند دیگران سبب محافظت فرزندان خود ما توسط هستی می گردد.

ج - تغذیه حیوانات، آبیاری درختان و مراقبت از پدیده های هستی سازندگی می آورد.

چ - آزار پدیده های هستی، حتی جمادات، موجب دریافت عکس العمل های منفی می گردد.

نمونه های گفته شده، از مراتب فضل تکوینی است؛ یعنی در هستی عدل تکوینی وجود دارد که هر چیزی را معادلی است. لذا باید این امور را آثار جنبی یا مراتب فضلی نامگذاری کرد. امور فضلی از جنس متافیزیک، و قانونمندی



آسیب پذیری انسان ها
از همان نقطه ای است
که دارای قوتاند.



انسان کامل که به او ولی الله، قطب و... گفته می شود، انسانی است با درجه خلوص که در معدن هستی پرورده شده مانند خضر(عبدصالح)؛ کاملاً انسان کسی است که این درجه را با طی مراحل به دست می آورد.

۱۰- ازدواج و زوجیت:

الف - هر جریان ملموس در هستی ناشی از زوجیت مثبت و منفی است، همانند برقراری جریان الکتریسیته مثبت و منفی در روشن کردن چراغ.

ب - ابرها موقعی می بارند که دوپهنه ابر با بارهای مثبت و منفی به هم برخورد کنند.

پ - باد در اثر اختلاف پتانسیل دو منطقه ایجاد می شود.

ت - آب در اثر اختلاف سطح دو منطقه جاری می شود.

اگر چنین قانونی بر کل هستی جاری است، آیا می توان گفت که انسان از آن مستثناء شده است؟ در ازدواج های جسمانی، جنسیت محور است و در زوجیت های روحانی سنخیت؛ و شاید همزیستی فلاسفه یونان با یکدیگر به همین دلیل بوده است. موارد دیگری چون سنخیت سقراط و افلاطون، شمس و مولانا، پیامبر و حضرت علی، ژان پل سارتر و سیمون دوبوار مؤید این مطلب است.

امر نسبیّت و ضرورت همسویی با روندهای زمان و مکان بنایی عقلانی دارد و آن، باز بسته بودن سیستم های وجود انسان است. نسبیّت قانونی است که امور را بر اساس مقتضیات زمان و مکان و سن و جنس و... حکم می کند.

۸- عمل و عکس العمل:

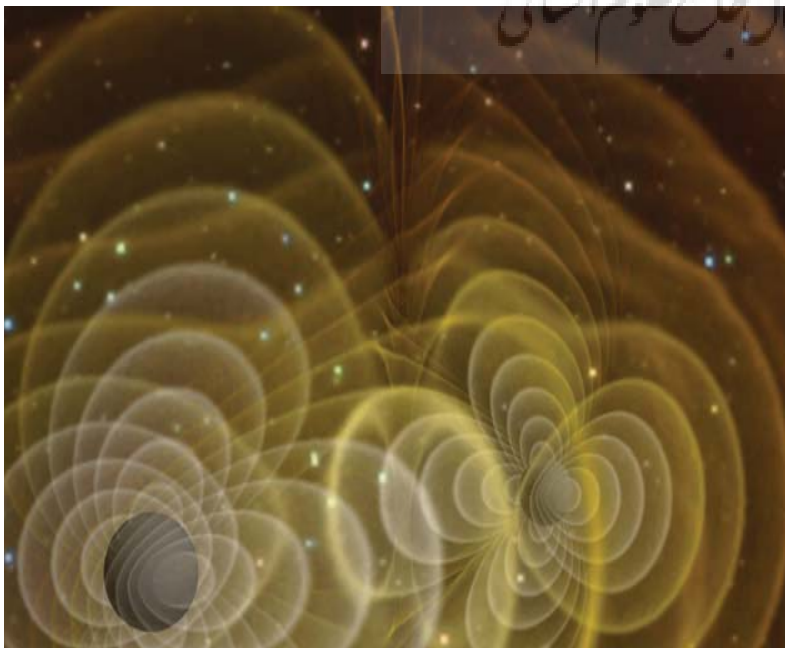
عدالت در هستی را به طور عام عدالت تکوینی، و اجرای عدالت توسط انسان را عدالت تشریحی گویند و هیچ عمل بدون عکس العمل نمی ماند و قانون عمل و عکس العمل را که به عنوان یکی از پایه های علم فیزیک شناخته شده است، می توان در موارد دیگر هستی، یعنی لایه های دوم تا چهارم تعمیم داد.

از مکافات عمل غافل مشو

گندم از گندم بروید، جو ز جو

۹- سختی ها و ساختی ها:

خداوند می فرماید: لقد خلقنا الانسان فی کبد "ما شما را در سختی ها خلق کردیم" (بلد/۴)، که مفهوم آن این است که آدمی در سختی هاست که ساخته و خلق می شود و با تحمل عسراست که یسرافراهم می گردد. همان گونه که در طبیعت دونوع الماس یافت می شود: طبیعی و مصنوعی، انسان ها نیز دو نوعند: انسان های کامل و کاملاً انسان ها.



امر نسبیّت و ضرورت
همسویی با روندهای
زمان و مکان بنایی
عقلانی دارد و آن، باز
بسته بودن سیستم های
وجود انسان است.